



۲۰۱۵/۱۲/۰۱

دوکتور محمد ظاهر عزیز  
سفیر سابق افغانستان در یونسکو

## سیاست خارجی افغانستان

### قسمت اول

با مطالعه حالات زار فعلی در کشور ما و نبود سیاست خارجی فعال و هوشیارانه در طی سالهای اخیر، در نبود



سنتراتیجی و پلانگذاری مناسب انکشاف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی در طی سیزده سال گذشته که منافع علیای وطن ما در آن مضمر می بود و ضرورتهای اصلی کافه مردم افغانستان را در نظر می گرفت و با حفظ ارزشهای معنوی و فرهنگی طرح ریزی می شد تا فقر، گرسنگی، بیسوادی، نا امنی، مریضی و بی عدالتی امروز دامنگیر مردم وطن نمی بود، امیدی برای حیات بهتر و مرفه تر مردم افغانستان در سالهای نزدیک میسر می شد.

اگر به راستی، سیاست خارجی فعال و سنتراتیجی انکشافی مناسب می داشتیم، کار رهبران حکومت وحدت ملی امروز (جنابان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه) سهلتر می بود. من امیدوارم که جنابان رئیس جمهور و رئیس اجرائیه که هردو با مشکلات عمده ای مردم وطن آشنا هستند و در امور بین المللی آشنایی خوب دارند، در تشکیل یک حکومت وحدت ملی با اشتراک اشخاص پاک نفس، وطنخواه، متخصص در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و دولرداری، تکنوکراتهای با ایمان، صادق و متخصص افغان، همه امور مملکت را در دست بگیرند و افغانستان را از تباهی نجات دهند.

سیاست خارجی یک کشور تنها به شناسایی مناسبات سیاسی و یا باز نمودن سفارت خانه ها در کشور های دیگر، پذیرش و میزبان سفارتخانه ها و یا نماینده گی های سیاسی، اقتصادی، تجارتي و فرهنگی، داشتن نماینده گی های سیاسی در سازمانهای بین المللی، عضویت در سامانه های منطقوی و یا امضای پیمانهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا الحاق در میثاقهای بین المللی تکمیل نمی گردد. همچنان سیاست خارجی یک کشور با سفر های خارجی و یا اشتراک در کنفرانسهای منطقوی و بین المللی و یا دعوت نمودن سران دولتها و حکومتات، کامل نمی شود. علاوه بر این باید گفت که سیاست خارجی یک کشور با بیانیه های میان خالی، دروغین و تکراری در داخل کشور و مجالس بین المللی و یا منطقوی، سیاست خارجی هوشیارانه و فعال به حساب نمی رود.

سیاست خارجی کشورها بیشتر از تحکیم و برقراری حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی، از طرز حکومتداری، درجه ای ارتقای فرهنگی یعنی سواد و دانش عمومی در یک کشور، اندازه ای پیشرفتهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، توانایی قدرت نظامی و درجه تعمیم دیموکراسی، هوشیاری دیپلوماسی، آشنایی به مسایل روابط بین المللی، آشنایی به اهداف، طرز کار و توانایی استفاده از سازمانهای بین المللی و منطقوی متأثر می شود. ضمناً سیاست خارجی زمانی موفق می باشد که در هماهنگی با نهاد های ملی چون پارلمان، وزارتخانه ها و مؤسسات مربوط دولتی، احزاب شناخته شده و نهاد های جامعه مدنی، هماهنگی، طرح ریزی و در عمل تطبیق قرار گیرد. به عبارت دیگر سیاست خارجی در قدم اول از سیاست داخلی الهام می گیرد، طرح و تنظیم می گردد و بالاخره با حفظ منافع علیای آنکشور در معرض عمل و تطبیق قرار می گیرد.

آشنایی با طرز و روش کاری، سیاستهای داخلی و مسایل عمده کشور های همسایه، در منطقه و دیگر کشور ها که آن ممالک با آنها روابط سیاسی و همکاری تجارتي و یا نظامی دارد از شرایط دیگر موفقیت سیاست خارجی کشور ها بشمار میرود. حتی معلومات و دانش خوب در مورد تاریخ، جغرافیا، عایدات زراعتی، صنعتی، معادن و سیاست کشور ها در امور بین المللی در موفقیت سیاست خارجی کشور تأثیر قابل ملاحظه دارد. بالاخره دانش، تحصیل و تجربه در امور روابط بین المللی و دیپلوماسی و دانستن لسانهای خارجی از شرایط موفقیت دیپلوماتها و سیاست خارجی کشور حساب شده می تواند.

یکی از شرایط عمده در موفقیت سیاست خارجی همه کشور ها خاصاً کشور های عقب مانده مانند کشور ما، آشنایی با اهداف، ساختار، طرز کار و صورت استفاده از منابع بزرگ مالی، سیاسی، علمی و فرهنگی ملل متحد و سازمانهای تخصصی ملل متحد، بانکهای جهانی و یا منطقه ای می باشد. آشنایی با فیصله ها، میثاقهای بین المللی و طرز تطبیق و استفاده از آنها به نفع نهاد های ملی و دولتی، چه اختیاری و یا اجباری هستند، در داشتن سیاست خارجی موفق، مهم و با ارزش است.

حالا برمیگردیم به منابع و مسایلی که با ارتباط سیاست خارجی موفق وابسته به کشور ما چه چیز ها در دست داریم؟ در طول سیزده سال گذشته چه نوع مشکلات داشتیم؟ چه نوع سیاست خارجی با کشور های همسایه، در سطح منطقه و در سطح بین المللی، اجرا و پیاده کردیم؟ همچنان برای یک سیاست خارجی متوازن، هوشیارانه و موفق و موافق به مصالح و منافع علیای کشور، در آینده چه کار هاو چه نوع ستراتیجی سیاسی ملی رادر سطوح و امور داخلی، منطقوی و بین المللی، باید بکار بریم؟

قانون اساسی افغانستان که مهمترین سند موفقیت مردم افغانستان در سیزده سال گذشته محسوب میگردد، رهنمای بزرگ ملی برای همه امور دولنداری، تعمیم و تحکیم دیموکراسی ملی، حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و نظام متکی بر اراده مردم است. ضمناً قانون اساسی کشور ما حقوق مردم افغانستان را بر مبنای ارزشهای دینی و فرهنگی مردم افغانستان، رعایت از اعلامیه ای جهانی حقوق بشر، احترام به منشور ملل متحد و انتخاب روش دیموکراسی رهبری و حکم می نماید. پس قانون اساسی افغانستان رهنمای اساسی، مهم و منبع اصلی برای طرح

ستراتیجی و پلانگذاری یک سیاست خارجی هوشیارانه و فعال افغانستان که کاملاً متکی به مصالح و منافع علیای افغانستان طرح و تطبیق گردد، به حساب می آید.

در طرح و به کار بردن سیاست خارجی فعال، متوازن و هوشیارانه با در نظر داشت منافع علیای افغانستان باید به اصل های مهم زیر توجه جدی گردد:

- حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، مردمیکه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود را حفظ، تحکیم و تأمین کرده نتواند، با آنکه عضویت قبلی ملل متحد را داشته باشد، دارای سیاست خارجی ضعیف و نا مناسب خواهد بود.

- استقلال، هیچ کشوری بدون داشتن استقلال کامل، شناسایی سیاسی از طرف دیگر کشور ها را داشته نمی تواند. در دنیای امروز بعضی سرزمین هایی است، مانند فلسطین که نظر به بعضی ملحوظات، تعدادی از کشور ها حکومت فلسطین را به رسمیت شناخته اند. با آنکه فلسطین عضویت یونسکو را حاصل نموده و در جلسات اسامبلی عمومی ملل متحد به حیث ناظر اشتراک می نماید، در کنفرانسهایکه از طرف سازمان همکاری اسلامی دایر میگردد اشتراک می نماید، هنوز استقلال کامل خود را بدست نیاورده است.

- نظام متکی بر اراده مردم و تحکیم دیموکراسی ملی، در سیاست خارجی فعال و هوشیارانه نقش بسیار بارز دارد. رعایت از اعلامیه جهانی حقوق بشر، در حقیقت شناخت، تأمین و مراعات حقوق مرد و زن یعنی مراعات و تحکیم حقوق همه اتباع کشور به صورت مساوی حتمی است. شناخت و رعایت اعلامیه ای جهانی حقوق بشر، کشور ما را صاحب شخصیت سیاسی و حقوقی با ارتباط مفاد مربوط به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سطح جهانی می سازد و جهانیان با حسن احترام به ما می نگرند.

- بعد از تحکیم استقلال و عضویت در ملل متحد، رعایت و پیروی از منشور ملل متحد در سیاست خارجی کشوری مانند افغانستان، بسیار مهم بشمار می رود.

- اداره خوب و عاری از فساد گسترده، در احترام و رابطه جهانی به هر کشور به شمول افغانستان، مؤثر است. لذا رابطه به داشتن سیاست خارجی هوشیارانه و مورد احترام از طرف جامعه جهانی، دارد.

- احساسات و وطنخواهی و عقیده به اراده ملی، ارزشهای معنوی و فرهنگی کافه ای مردم افغانستان، در تمامی سطوح کاری وزارت خارجه و کارمندان آن وزارت، از شرایط اصلی موفقیت آن وزارت و سیاست خارجی کشور به شمار می رود و باید با حسن اخلاق دیپلوماسی، مراعات گردد.

- ساختار و تشکیل ادارات با ظرفیت و دارای مؤظفین و مامورین تعلیم یافته، کار آگاه، آشنا به امور و روابط بین المللی و دیپلوماسی از شرایط اصلی در تعمیم سیاست خارجی فعال به شمار می رود. همچنان آشنا به تاریخ، جغرافیا ی کشور، آشنا به امور و روش کاری حکومت و همچنان آشنایی به یک یا چند لسان خارجی، از راز های موفقیت یک کارمند وزارت خارجه هم در داخل کشور و هم در بیرون از کشور محسوب می گردد و در نتیجه موفقیت سیاست خارجی کشور را تا حد زیاد تسهیل و تأمین کرده می تواند.

- هماهنگی در اجرای امور و تبادل اطلاعات میان وزارت خارجه و ادارات و نهاد های دولتی و همچنان میان ادارات سیاسی و اداری وزارت خارجه هم در داخل کشور و هم بیرون از کشور، از جمله شرایط اساسی موفقیت وزارت خارجه و سیاست خارجی کشور شمرده می شود.

راه ها و وسایل در حل مشکلات عظیم کشور که ممد و مؤثر در طرح و به کار انداختن سیاست خارجی فعال، متوازن و هوشیارانه خواهد شد:

همه میدانیم که وطن ما به مشکلات بزرگ اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مبتلا است که بر سیاست خارجی وطن ما تأثیر مستقیم دارد. این مشلات تا حدی زاده ای تجاوز اتحاد شوروی سابق در دهه هشتاد میلادی و مداخله واضح همسایگان خاصاً پاکستان در امور داخلی همراه با تجاوز پاکستان در حریم مقدس افغانستان است. معضلاتی چون عدم توانایی دولنداری، عدم رهبری هوشیارانه، عدم ظرفیت و صداقت حکومتداری، همراه با فساد تباه کن در کشور در سالهای نزدیک گذشته، وطن ما را به طرف تباهی نزدیک ساخته اند.

متذکر گردید که قانون اساسی کشور ما پشتیبان و رهنمای اصلی و مهم برای طرح و بکار بردن سیاست خارجی متوازن و فعال می باشد. اما، با وجود احکام قانون اساسی، در طی سالهای گذشته ملاحظه کردیم که دولنداری فعال، و عاری از فساد، تطبیق و حرمت به دیموکراسی و حقوق بشر و دیگر امور وابسته به دولنداری مسؤول و جوابگو، هنوز در مرحله ای ابتدایی در کشور ما قرار دارند. از جمله نقض قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات اعضای شوراهای ولایتی، عدم حرمت به تصامیم وکلای مردم از طرف قوه اجرائیه به رهبری رئیس جمهور سابق، عدم مراعات به قوانین اداری و عدلی را میتوان مثال آورد.

این نوع حالت سر در گم دولنداری، کشور ما را در چشمان آزمند دشمنان وطن ما و گروه های متخاصم افراطی ضعیف و ناتوان ساخته و ما با ناتوانی سیاسی و اداری، هر روز می بینیم که دشمنان افغانستان در حریم کشور و امور داخلی وطن ما تجاوز واضح می نمایند، وطن ما را ویران می سازند و مردم افغانستان را به شهادت می رسانند. در حالیکه این نوع حالات ضعف دولنداری و سر در گمی در کشور در تمامی سطوح حیات مردم تأثیر مستقیم دارد، حتماً سیاست خارجی کشور را نیز متأثر، ضعیف و نا متوازن می سازد.

با وجود همه کوشش هایکه بعد از سالهای تاریک و جنگ ها، خاصاً بعد از تأسیس دولت مؤقت در طی چند سال برای بهبود ساختار اداری در وزارت خارجه، کدر سیاسی و دیپلوماتیک و تأسیس نماینده گی های سیاسی صورت گرفت، در مجموع سیاست خارجی افغانستان با درک اوضاع سیاسی، منطقی و جهانی تثبیت، تعیین و پلانگذاری نشد و آنچه را که با زحمت آغاز شده بود در سالهای بعدی تعقیب نکردند.

افغانستان هنوز یک ستراتیجی معقول سیاست خارجی قوی و فعال که با درک مشکلات امروز وطن و فهم سیاست همسایگان و یا دانش بخصوص امور سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی کشور های آسیایی، عربی و کشور هایکه بر سیاست خارجی وطن ما تأثیر خاص دارند، طرح ریزی و عملی گردد، ندارد.

در اجرای امور سیاسی و مقابله با اوضاع منطقی و جهانی، هنوز رهنمای واضح و ستراتیجی خاص ایکه از منافع علیای افغانستان دفاع گردد و در هماهنگی با ادارات مسؤول و مربوط و همه نماینده گی سیاسی در عمل اجرا قرار گیرد، وجود ندارد. هیچ و یا کمترین تفاهم، تبادل نظر، مشورت و یا مبادله اطلاعات که از سیاست واحد دولتی در

اجرای امور یا تصمیم‌گیری مهم بر موضوعات مهم ملی، منطوقی و بین المللی، نماینده گی نماید، میان نماینده گی های سیاسی افغانستان موجود نیست.

از سالهای چند به این سو، دستگاه سیاست خارجی افغانستان، ضعیف، دیر فهم که یک موضوع را هر وقت و در هر جا با ارایه ای روش نادرست و ضعیف، تکرار می نمایند، قرار گرفته است.

با تقدیم حرمت به همه مسؤولین و مامورین در نمایندگی های سیاسی افغانستان، باید با صداقت بپذیریم که تعداد زیاد نمایندگی های سیاسی، بیشتر به اجرای امور اداری و تشریفاتی مصروف اند. اکثر نماینده گی ها در اجرا و طرح برنامه ها در شقوق انکشافی مورد نیاز کشور که با همکاری و هم‌آهنگی نهاد های دولتی به منظور کمک از دول مربوط جای ای که نماینده گی حضور دارد، یا از سازمانهای منطقه ای و بین المللی، صلاحیت مسلکی و تجربه ای کم دارند.

تا دیروز، برخورد دولت با وقایع حاد و مهم، با سیاست کهنه و پا افتاده تثبیت میگردید و در مناسبات سیاسی نظر به عدم تکنیک های سیاسی و نداشتن دانش مسلکی سیاسی و یا روشها و تصامیم نادرست شخصی مقامات عالی دولتی، با طرف مقابل خصوصاً کشور های همسایه، از روش و سیاست اخلاقی، عواطف انسانی و حتی ارزشهای معنوی معامله می کردید. تصور بر این بود که طرف مقابل که هم زیرک و هم با سیاست آشنا اند، دل شان به حال ما می سوزد و به ما رحم می نمایند. اگر نماینده های سیاسی افغانستان و یا مقامات عالی کشور صد مرتبه دست دعا بلند کنند، در مقابل دشمنان آزمند، سختگیر و کهنه کار افغانستان، هیچ فایده ای ندارد.



ادامه دارد